

الزامات اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

دکتر سیدشمس‌الدین حسینی*، دکتر افسانه شفیع‌ی**

تاریخ دریافت ۸۸/۷/۲۵ | تاریخ پذیرش ۸۸/۱۰/۲

مقاله حاضر با تأکید بر نقش انکارناپذیر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در ارتقای جایگاه اقتصادی کشور، درصدد بررسی الزامات اجرای مؤثر این سیاست‌هاست. از این رو به تبیین جایگاه این سیاست‌ها - به‌عنوان یک بسته سیاست رقابتی - از دیدگاه نظری و تجربی پرداخته شده است. در بیان نظری مسئله، مشخص شد یکی از وجوه تمایز اقتصاد نوین، تحول در نقش دولت و بازار و نحوه تعامل میان این دو نهاد است که طی آن هزینه‌های دخالت دولت کاهش و منافع نظارت و هدایت افزایش می‌یابد. از لحاظ عملی، ابلاغ این سیاست‌ها می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد ایران باشد. این سیاست‌ها با هدف تأمین فضای مناسب برای فعالیت بخش‌های غیردولتی، در عین پرداختن به مضامین رفاه اجتماعی، ابلاغ شده‌اند. بهره‌مندی از نتایج این سیاست‌ها فقط با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب ممکن است که طبق یافته‌های این مقاله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

تأمین فضای رقابتی، تقارن اطلاعات، چارچوب‌های قانونی پشتیبان و نهاد ضامن اجرای قوانین، نظام پولی و مالی کارآمد و شکل‌گیری نهادهای مدنی؛ که توجه به آنها لازم است.

کلیدواژه‌ها: اصل (۴۴)؛ الزامات؛ اقتصاد نوین؛ نهادهای مدنی؛ مقررات تنظیمی

طبقه‌بندی JEL: G32، H11 | گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور؛

E-mail: sshhosseini@yahoo.com

** عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛

E-mail: afsanehshafiee2003@yahoo.com

مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی زمینه‌ساز تحولات شگرفی در اقتصاد ایران بوده است. اهمیت این مسئله از آنجاست که تا پیش از این زمان، هرگونه تلاش برای گسترش فضای کسب و کار در بخش خصوصی و واگذاری امور اقتصادی به سازوکار بازار با مانعی به نام اصل (۴۴) قانون اساسی مواجه بود. از زمان ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و به ویژه بند «ج» این مجموعه سیاستی، امکان واگذاری فعالیت‌های مندرج در صدر اصل (۴۴) قانون اساسی در حالی فراهم آمده است که مضامین مرتبط با رفاه اجتماعی نیز از نظر دور نمانده است البته صرف داشتن بسته سیاستی جامع در حکم برخورداری از نتایج جامع نیست؛ زیرا محتوای سیاست‌ها هر اندازه هم که جامع باشد، تا زمانی که اجرای مؤثر نداشته باشد، نه تنها باعث افزایش رفاه اجتماعی نخواهد شد، بلکه ممکن است با تحمیل هزینه‌های اجرا بر اجتماع زمینه‌ساز کاهش رفاه اجتماعی شود. بنابراین اکنون که اقتصاد ایران در آستانه اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی قرار دارد، لازم است ابتدا مشکلات و چالش‌های پیش روی اجرای این سیاست‌ها شناسایی شود و سپس با تبیین پیش شرط‌های اجرای مؤثر این سیاست‌ها، هزینه‌های اجرا در کمترین و منافع ناشی از آن در بیشترین مقدار قرار گیرد. به این منظور، قطعاً مرور تجربه کشورهای دیگر در اجرای سیاست‌های رقابتی می‌تواند زمینه‌ساز حرکت مؤثرتری باشد.

مطالعه حاضر با تأکید بر اهمیت اجرای مؤثر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و با هدف پرداختن به مشکلات پیش روی اجرای این سیاست‌ها و الزامات اجرای آن، در پنج قسمت تنظیم شده است: در قسمت اول با پرداختن به ویژگی‌های اقتصاد نوین و رویکرد جدید نسبت به بخش عمومی، اهمیت برخورداری از بسته سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در اقتصاد ایران تبیین می‌شود. در قسمت دوم به تشریح مشکلات پیش روی اجرای مؤثر این سیاست‌ها پرداخته می‌شود. در قسمت‌های سوم و چهارم با استناد به تجربه سه کشور نسبتاً موفق در انجام اصلاحات هندوستان، چین و بنگلادش، که

در ابتدا با مشکلات متعددی مواجه بودند، به تبیین پیش شرط‌های اجرای مؤثر سیاست‌های کلی پرداخته می‌شود و سپس با یک جمع‌بندی مطالعه خاتمه می‌یابد.

۱ اقتصاد نوین، رویکرد نوین بخش عمومی و سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

قانون اساسی

با گذشت بیش از نیم قرن از زمان به کارگیری نظریه‌های کینزی، دورانی فرارسیده است که در آن شاهد تحول ساختار اقتصاد جهانی و پیشرفت اندیشه‌های اقتصادی هستیم. در فضای جدید که «اقتصاد نوین» نامیده می‌شود، تحولات شگرفی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی پدید آمده است: بازارها در فضای مجازی و بی‌توجه به بعد مسافت، به راحتی شکل می‌گیرند نهادها در مسیر جهانی شدن به سرعت در حرکت‌اند؛ دانش مؤلفه اصلی تابع تولید است؛ میزان مسئولیت دولت‌ها در حالی کاهش می‌یابد که بر توانایی‌های بالقوه بازار و نهادهای اجتماعی تمرکز شود. این تغییرات علاوه بر پدید آوردن فرصت‌ها، رقابت شدید و انگیزه قوی برای عملکرد بهتر را ایجاد می‌کند. با این حال عملکرد بهتر زمانی میسر خواهد بود که مشخصه‌های فضای نوین به دقت شناسایی شود و به تناسب آن، سازگاری بیشتری میان سیاست‌های اقتصادی و فضای نوین پدید آید.

اقتصاد نوین مشخصه‌های بسیاری دارد، اما به طور کلی، سه مشخصه اصلی که مشخصه‌های دیگر را نیز دربردارد، عبارت‌اند از: جهانی شدن، حاکمیت رویکرد بخش عمومی نوین، توجه به نقش مکملی نهادها در اداره امور اقتصادی.

۱-۱ جهانی شدن

جهانی شدن به معنای یکپارچگی هرچه بیشتر اقتصاد جهان بر اثر افزایش روزافزون تجارت، اندیشه‌ها، سرمایه‌ها و ظهور شبکه‌های تولیدی چندکشوری است. جهانی شدن ماهیتی فراتر از وابستگی متقابل اقتصادی دارد و شامل دگرگونی زمان و مکان بر اثر انقلاب

ارتباطات و گسترش فناوری اطلاعات می شود (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۲۷۹). در واقع، جهانی شدن نظریه‌ای است که هدف آن تبیین شرایط توسعه، وضعیت اقتصادی، سناریوهای اجتماعی و تأثیرات سیاسی و فرهنگی در فضایی است که در آن نظام ارتباطات جهانی پیشرفت شگرفی یافته است و در تمامی بخش‌ها سیالیت متغیرهای اقتصادی، به‌ویژه منابع مالی و تجاری، به چشم می‌خورد. در فرایند جهانی شدن روزبه‌روز بر میزان وابستگی بسیاری از کشورها به شرایط جهانی، برحسب ارتباطات، نظام مالی بین‌المللی و تجاری، افزوده می‌شود (Reyes, 2001). به عبارتی، رشد چشمگیر تجارت جنبه مهمی از جهانی شدن به‌شمار می‌رود.

پیشینه ورود به فضای جهانی شدن را می‌توان ابتدای دهه ۱۹۷۰ دانست. در آن زمان دولت برخی کشورهای توسعه‌یافته نسبت به سازوکارهای منعطف‌تر در نظارت نرخ ارز تمایل نشان دادند که زمینه‌ساز تسریع حرکت سرمایه میان مراکز مالی، بانک‌های بین‌المللی و بازارهای سهام بود. این وضعیت با تحول در فناوری اطلاعات، رایانه و نظام‌های ارتباطی در میانه دهه ۱۹۷۰ تکامل یافت که مبتنی بر ارزش سلف محصولات بود. انقلاب دهه ۱۹۸۰ موجب بیشتر شدن سرعت محاسبه نرخ‌های سود و سرمایه‌گذاری گردید و بنابراین بر حجم معاملات سرمایه‌گذاری افزوده شد. سپس در دهه ۱۹۹۰، با وارد شدن اینترنت به عرصه اطلاع‌رسانی، تحولی شگرف در ایجاد اتصال میان مناطق مختلف جهان پدید آمد و فضای جدیدی با عنوان «اقتصاد مجازی» در بسیاری از بازارها شکل گرفت (همان). شکل‌گیری این فضا و تشدید ارتباط تجاری کشورها در پی آن موجب شد تا مزیت‌های رقابتی بیشتر از طریق مفاهیم مبتنی بر دانش و بهره‌وری توجیه‌پذیر باشد.

با چنین تحولی بدیهی است که برای اجرای سیاست‌های ملی در اقتصاد لازم است بیش از آنکه به نوع «ابزار سیاستی» و «اهداف کمی» توجه شود، به نتایجی همچون دستیابی به «بهره‌وری» و «رقابت‌مندی» بیشتر و دیگر «مفاهیم کیفی» پرداخته شود.

۱-۲ رویکرد بخش عمومی جدید

در حال حاضر یکی از ویژگی‌های اقتصاد نوین، رویکرد جدید به بخش عمومی است. در فضای جدید، هیچ‌گونه دیدگاه افراطی نسبت به گسترش بی‌رویه یا حذف کامل دولت پذیرفتنی نیست. در واقع تجربه سالیان متمادی بحران و تنش در اقتصاد جهان نشان داد با آنکه دولت و در مجموع بخش عمومی قادر نیست به تنهایی پاسخ‌گوی همه مشکلات اقتصادی باشد، حذف کامل این نهاد و سپردن امور به دست بازار نیز در حکم تضعیف اقتصاد است. در فضای جدید تلاش شده است تا از هرگونه تقابل میان دولت و بازار ممانعت شود و در مقابل زمینه‌ای فراهم آید تا از نتایج مضاعف تعامل میان این دو نهاد بهره‌گیری شود.

این تغییر جهت مستلزم تغییر در نوع سیاست‌گذاری‌هاست. پس، استفاده از «سیاست‌های رقابتی» به جای «سیاست‌های تعدیل اقتصادی» ترویج می‌شود. سیاست‌های رقابتی اگرچه در بسیاری موارد همچون اتکا به سازوکار قیمت‌ها، آزادسازی مالی و تجاری و غیره بی‌شبهت با سیاست‌های تعدیل اقتصادی نیست اما با یک ویژگی اساسی از سیاست‌های تعدیل متمایز می‌شود و آن توجه به مفهوم «عدالت اجتماعی» در عین دستیابی به «کارایی اقتصادی» است. به عبارتی، در فضای جدید اگرچه نقش بازارها پررنگ می‌شود، اما هر جا لازم باشد نقش حمایتگر دولت وجود دارد تا از هرگونه فشار احتمالی به فعالان اقتصادی و نابرابری ممانعت شود (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۲). در این فضا، نقش ضربه‌گیر و تأمین‌کننده دولت در کنار سازوکارهای بازاری سبب ثبات بیشتر، کارایی بالاتر و عدالت فراگیرتر در اقتصاد است.

۱-۳ شکل‌گیری نهادهای مدنی

حاکمیت رویکرد جدید بخش عمومی طی سال‌های اخیر، به نحوی که در قسمت ۱-۲ اشاره شد، تحولات گسترده‌ای را در سراسر جهان به بار آورده است. تا زمانی که دیدگاه

«دولت پیشران»^۱ در جهان حاکم بود، به محض رویارویی با کوچک‌ترین خلأ، فقط دولت مرجع پاسخ‌گو و رفع مشکل شناخته می‌شد. از زمان افول این دیدگاه و ظهور دیدگاه «دولت پلید»^۲ عهده‌داری امور به بازار سپرده شد. با این حال، برطرف کردن همه نقص‌های موجود از عهده این بخش نیز خارج بود، لذا پس از مدتی مشخص شد که هیچ‌یک از دو نهاد دولت و بازار به تأمین کامل نیازهای اقتصادی قادر نیست. پس دیدگاه سومی مبنی بر حفظ تعامل میان دو نهاد بازار و دولت شکل گرفت (همان: ۲۴).

در دیدگاه جدید، هر دو نهاد در اداره امور اقتصادی دخیل‌اند؛ با این حال، از آنجا که در بیشتر موارد دولت‌ها به دنبال منافع اجتماعی و فعالان اقتصادی به دنبال منافع شخصی هستند، ممکن است همچنان کاستی‌هایی برجای ماند که بهترین راه برای رفع آن از طریق نهادهای مدنی (غیردولتی) است.^۳ پس آرایش منظمی برای بازار، دولت و نهادهای مدنی تعریف می‌شود که طی آن بازار فعال اصلی، دولت ناظر بر عملکرد اقتصاد و تأمین‌کننده برخی کالاها و خدمات خارج از عهده بازار و نهادهای مدنی رفع‌کننده خلأهای باقی‌مانده است. نهادهای مدنی را به‌طور کلی می‌توان به شهرداری‌ها، سازمان‌های غیردولتی، اصناف،

۱. مقصود از دولت پیشران (Government as the Prime Mover) شرایطی است که طی آن دولت عهده‌دار سرمایه‌گذاری‌های مهم و بخش‌های کلیدی در اقتصاد است. به عبارتی، طبق این دیدگاه، دولت متصدی اصلی فعالیت‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود.

۲. دولت پلید (Evil Government) دولتی است که جایگاه اقتصادی آن به حداقل ممکن تقلیل داده شده است. برای مطالعه بیشتر رک. حسینی، شمس‌الدین و افسانه شفیعی، «نقش دولت در اقتصاد و توسعه؛ مطالعه تجربه ایران»، مجله اقتصاد و جامعه، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۸۶.

۳. برای مثال، تضمین عملکرد کارآمد واحدها، بهره‌گیری از نیروهای متخصص، ایجاد هسته‌های تحقیقاتی برای تکامل خوداتکا و ... در واحدهای کوچک و به روش‌های سنتی امکان‌پذیر نیست. هرچند ضرورت اجاب می‌کند دولت‌ها سازوکار سازمان‌دهی آنها را فراهم آورند. این امر اگرچه در بیان ساده است اما در عمل دشوار و ناممکن می‌نماید. پس به نهاد سومی احتیاج است تا از طریق آن درجه دقت و سرعت نظارت، همچنین تضمین کارایی در عملکرد، افزایش یابد. این سه جنبه‌گرایی در روند تحولات ناشی از اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی قطعاً می‌تواند تأثیرات خوبی برجای گذارد.

تشکل‌های مردم‌نهاد و ... تقسیم کرد. مهم‌ترین نقش نهادها کمک به افزایش کارایی اقتصادی، توسعه رقابت داخلی، ایجاد تشکل و سازمان‌دهی و در نتیجه بالا بردن مزیت نسبی در صحنه رقابت‌های خارجی است. پس با آنکه کاستی‌های موجود رفع می‌شود، بار مسئولیت‌های دولت نیز افزایش نخواهد یافت.

در اقتصاد ایران، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، به‌ویژه بند «ج»، به‌منزله نقطه تحول در تاریخ سیاست‌گذاری‌های این کشور و ورود به فضای نوین اقتصادی است؛ زیرا طی این سیاست‌ها با اینکه رویکرد موجود نسبت به بخش عمومی در حال اصلاح است، در بسیاری زمینه‌ها مقدمات تحول فراهم آمده است. جامعیت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی طوری است که می‌توان آن را یک بسته سیاست رقابتی به حساب آورد که در صورت اجرای کارآمد، ورود هرچه بیشتر اقتصاد ایران به فضای نوین را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، لازم است که به شناسایی دقیق چالش‌هایی که پیش روی اجرای این سیاست‌هاست و تعیین پیش‌شرط‌های اجرای آن با مطالعات و بررسی تجربه دیگر کشورها در اجرای سیاست‌های مشابه پرداخته شود. به این منظور در قسمت‌های ۲ و ۳ مقاله حاضر به این مسائل می‌پردازیم.

۲ چالش‌های اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و تصویب قانون اجرای این سیاست‌ها (۳۱ تیر ۱۳۸۶) اگرچه فرصت بزرگی برای تحریک فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار می‌رود، اما در اجرا به دلیل وجود برخی چالش‌ها، با دشواری‌هایی مواجه است که در این قسمت به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است.

۲-۱ تحقق هم‌زمان اهداف

سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی بسته سیاستی جامعی است که بر اهداف مهمی از جمله گسترش مالکیت خصوصی، ارتقای بهره‌وری بنگاه‌ها و تأمین عدالت اجتماعی

متمرکز است. دستیابی هم‌زمان به اهداف فوق از نظر مباحث نظری با برخی دشواری‌ها همراه است. برای مثال، اگر فقط مولفه بهره‌وری مورد نظر باشد، حمایت از برخی فعالیت‌ها حتی در کوتاه‌مدت توجیه‌پذیر نیست. این در حالی است که کنارگذاری فعالیت‌های فوق از دایره حمایت، گاهی در حکم حذف گستره وسیعی از فعالیت‌ها و تأثیرگذاری منفی بر هدف نهایی عدالت است.

۲-۲ توسعه نیافتن بازار سرمایه

بررسی اطلاعات بازار سرمایه در ایران نشان می‌دهد که به‌رغم تلاش‌های انجام شده، این بازار همچنان با وضعیت ایدئال فاصله دارد. عمده دلایل این مسئله عبارت‌اند از: نبود یا توسعه نیافتن سازمان‌های خودانتظام، انجمن‌های حرفه‌ای در قالب مؤسساتی از جمله جامعه حسابداران رسمی (انجمن‌های وکلا، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی و کانون‌های معامله‌گران اوراق بهادار و بورس‌ها) که از نهادهای نظارتی بازار سرمایه به‌شمار می‌روند.^۱ با این حال، بررسی‌های بازار سرمایه اخیراً مبین بهبود قابل توجه در این بازار نسبت به سال‌های قبل است؛ به‌طوری‌که در خرداد ۱۳۸۷ ارزش سهام و حق تقدم معامله شده در سازمان بورس و اوراق بهادار ۳۰۶۸۸ میلیارد ریال بوده که نسبت به فصل قبل ۱۰۲/۳ درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱۱۹/۹ درصد افزایش داشته است (عمادی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۰).

۲-۳ متناسب نبودن برخی مقررات با اهداف سیاست‌های کلی

یکی دیگر از دشواری‌های موجود در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

۱. این بازارها نقش بسزایی در تسهیل مبادلات اوراق بهادار و جذب سرمایه برعهده دارند، اما به دلایل مختلف از جمله مقررات سخت و دست‌وپاگیر، برقراری الزامات پذیرشی دشوار و ناتوانی در برآوردن سلیقه همه سرمایه‌گذاران ازسوی بورس‌ها، بازارهای خارج از بورس با رشد بسیار زیادی مواجه شده است.

حاکمیت برخی مقررات ناهمسو با انگیزه‌های ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی داخلی و خارجی است. به بیان دیگر، ساختار حقوقی موجود به‌نحوی است که در برخی موارد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایلی به انجام سرمایه‌گذاری در داخل ندارند، هرچند حوزه‌های دولتی درخور واگذاری گسترده شده باشد. در این خصوص می‌توان به مشکلات مرتبط با قوانین استخدای اشاره کرد که در برخی مواقع باعث می‌شود سرمایه‌گذاران میل زیادی به انجام سرمایه‌گذاری نداشته باشند. البته، در سال‌های اخیر اقدامات متعددی برای رفع ناسازگاری‌های موجود در قوانین به انجام رسیده است که قطعاً به بهبود اوضاع کمک خواهد کرد.

۲-۴ حاکمیت فرهنگ ضعیف سهام‌داری در بازار بورس

حاکمیت فرهنگ ضعیف سهام‌داری در بورس از دیگر مشکلاتی است که در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی وجود دارد. در واقع ایجاد وقفه در فعالیت بورس اوراق بهادار به دلیل جنگ تحمیلی، گسترش شدید اقتصاد دولتی در سالیان پس از انقلاب اسلامی، توجه اندک رسانه‌ها به بسط فرهنگ سهام‌داری، نبود آموزش مناسب در دوره‌های دانشگاهی، بازار سرمایه را در ایران به پدیده‌ای ناشناخته تبدیل کرده است. هرچند در فضای جدید و گسترش واگذاری‌ها از طریق بازار بورس زمینه‌های آشنایی افراد با این بازار روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

۲-۵ کیفیت اجرای مقررات تنظیمی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، کیفیت اجرای مقررات تنظیمی است. مقررات تنظیمی، عبارت از مجموعه نظارت‌های دولت بر میزان قیمت محصولات، مقدار تولید و میزان دسترسی فعالان اقتصادی در بازار است که به‌منظور خلق فضای امن تجاری و سرمایه‌گذاری اجرا می‌شود. اعمال مقررات تنظیمی، اگر

به صورت کارآمد باشد، زمینه‌ساز امنیت بیشتر برای کسب و کارهای خصوصی است، بنابراین انگیزه حضور این بخش را در بازار افزایش می‌دهد.^۱ به منظور ارزیابی وضعیت اجرای مقرراتی از این دست در اقتصاد، شاخصی تحت عنوان شاخص کیفیت اجرای مقررات تنظیمی به صورت بین‌المللی محاسبه می‌شود. این شاخص درجه موفقیت دولت را در ایجاد فضای امن کسب و کار از طریق اجرای مقررات تنظیمی مورد سنجش قرار می‌دهد. در جدول ۱، ارقام تفصیلی این شاخص برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۸ ارائه شده است.

جدول ۱ شاخص کیفیت مقررات تنظیمی در کشورهای منا (۱۹۹۸-۲۰۰۶)

ردیف	سال کشور	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
۱	ایران	۳۰/۸	۳۳/۲	۲۲/۱	۱۷/۳	۱۵/۴	۱۴/۴	۱۱/۵
۲	بحرین	۳۶/۱	۴۸/۶	۵۱	۵۱/۹	۴۶/۲	۳۶/۱	۳۲/۲
۳	مصر	۲۹/۳	۳۴/۱	۲۳/۶	۲۲/۶	۱۸/۳	۲۰/۲	۲۰/۲
۴	عراق	-	۱/۹	۶/۷	۳/۸	-	-	-
۵	اردن	۳۸/۵	۴۶/۲	۳۱/۳	۳۷	۳۴/۱	۳۸	۲۷/۹
۶	کویت	۵۷/۷	۶۴/۹	۴۴/۷	۴۵/۷	۴۹	۴۹/۵	۵۵/۸
۷	لبنان	۱۷/۳	۲۶/۴	۲۶	۲۶/۴	۱۹/۷	۱۳/۹	۶/۳
۸	قطر	۷۸/۸	۸۱/۷	۶۷/۳	۸۳/۷	۷۶/۹	۶۸/۸	۷۷/۹
۹	عربستان	۴۲/۳	۴۷/۶	۲۹/۸	۳۱/۷	۱۵/۹	۲۴/۵	۲۶
۱۰	سوریه	۳۲/۲	۲۵/۵	۳۷/۵	۳۵/۱	۲۶/۴	۱۹/۷	۱۹/۷
۱۱	امارات	۷۱/۶	۷۴	۷۴/۵	۷۳/۶	۶۵/۴	۶۴/۹	۶۵/۹
۱۲	یمن	۸/۷	۱۱/۵	۱۰/۱	۹/۱	۵/۳	۸/۲	۹/۶

۱. هرچه عدد شاخص کیفیت اجرای مقررات تنظیمی بیشتر باشد، نشانگر ضمانت اجرای بالاتر مقررات است.

جدول ۱ شاخص کیفیت مقررات تنظیمی در کشورهای منا (۱۹۹۸-۲۰۰۶)

ردیف	سال کشور	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
۱۳	عمان	۷۰/۷	۷۶/۹	۷۶/۹	۷۵/۵	۷۱/۶	۶۷/۸	۶۵/۴
۱۴	فلسطین اشغالی	۱۷/۸	۲۲/۶	۹/۶	۱۰/۱	۱۰/۶	۱۷/۸	۱۴/۴
۱۵	مراکش	۴۹/۵	۳۷	۳۵/۶	۳۴/۱	۳۱/۳	۳۱/۳	۳۴/۶
۱۶	تونس	۵۵/۳	۵۳/۸	۴۷/۱	۵۱	۵۱/۹	۵۰	۵۳/۸
۱۷	لیبی	۱۳	۲۴	۳۳/۷	۳۸	۴۷/۶	۵۲/۹	۵۵/۳
۱۸	الجزایر	۲/۴	۴/۳	۴/۳	۴/۸	۸/۲	۱۴/۹	۱۹/۲
۱۹	جیبوتی	۱۴/۹	۲۹/۸	۳۳/۲	۲۰/۷	۳۷	۲۶/۹	۳۹/۴
۲۰	مالتا	۹۸/۶	۹۸/۱	۹۸/۶	۹۸/۶	۹۳/۸	۹۵/۷	۹۲/۳

Source: World Bank, World Development Indicators, 2007.

ارزیابی این شاخص در مجموع نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی امکان دستیابی به فضای امن کسب و کار از طریق اجرای مقررات تنظیمی در وضعیت نامناسبی قرار داشته است. با این حال، آمار فوق مربوط به دورانی است که طی آن قانون مدون رقابت در اقتصاد وجود نداشته است. اما اکنون با ابلاغ «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم»، مقررات رقابتی نیز به صورت مدون موجود می‌باشد.^۱ تصویب این قانون قطعاً به منزله گام بزرگی برای افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به برخورداری از فضای امن اقتصادی و دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به‌شمار می‌رود.

۱. بخشی از این قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) به مقررات رقابتی و تشکیل مرکز ملی رقابت اختصاص دارد.

۲-۶ دسترسی پایین به اطلاعات

یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کارایی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، برخورداری از تقارن اطلاعات در بازار است. هرچه فضای بازار از نظر شفافیت و تقارن اطلاعاتی مناسب‌تر باشد، درجهٔ مخاطره ورود به بازار و مشارکت در طرح نوین خصوصی‌سازی کمتر خواهد بود و بدین ترتیب اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) با موفقیت بیشتری همراه می‌شود. عکس این وضعیت هنگامی اتفاق می‌افتد که اطلاعات موجود در بازار غیرشفاف و نامتقارن توزیع شده باشد. به‌منظور سنجش این مسئله در اقتصاد ایران و مقایسهٔ آن با کشورهای منتخب (منا)، از شاخص دسترسی به اطلاعات استفاده شده، که ارقام آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲ میزان دسترسی به اطلاعات در کشورهای منا (۲۰۰۰-۲۰۰۵)

ردیف	سال کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	ایران	۱۰	۱۶	۴۸	۷۲	۸۲	۱۰۳
۲	بحرین	۶۰	۱۴۶	۱۷۶	۲۱۳	۲۱۳	۲۱۳
۳	مصر	۷	۹	۲۷	۴۲	۵۴	۶۸
۴	فلسطین	۱۹	۳۲	۴۳	۴۶	۶۷	-
۵	عراق	-	۰	۱	۱	۱	-
۶	اردن	۲۶	۴۷	۶۰	۸۵	۱۱۸	-
۷	کویت	۶۸	۸۸	۱۰۷	۲۳۷	۲۴۴	۲۷۶
۸	لبنان	۸۸	۷۶	۱۱۵	۱۴۳	۱۶۹	۱۹۶
۹	قطر	۴۹	۶۲	۱۰۲	۱۹۲	۲۱۲	۲۶۹
۱۰	عربستان	۲۲	۴۸	۶۶	۶۸	۷۰	-
۱۱	سوریه	۲	۳	۲۱	۳۴	۴۳	۵۸

جدول ۲ میزان دسترسی به اطلاعات در کشورهای منا (۲۰۰۵-۲۰۰۰)

ردیف	سال کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱۲	ترکیه	۳۷	۵۱	۶۲	۸۵	۱۴۴	۲۲۲
۱۳	امارات	۲۳۶	۲۸۰	۳۱۳	۲۷۵	۲۸۷	۳۰۸
۱۴	عمان	۳۷	۴۹	۷۲	۸۴	۹۷	۱۱۱
۱۵	رژیم اشغالگر اسرائیل	۲۰۲	۲۸۰	۳۰۴	۳۷۴	۴۷۰	-
۱۶	جیبوتی	۵	۶	۸	۱۲	۱۳	-
۱۷	الجزایر	۶	۱۶	۲۲	۴۶	۵۸	-
۱۸	تونس	۴۲	۵۲	۶۴	۸۴	۹۵	-
۱۹	لیبی	۴	۲۳	۲۸	۳۶	-	-
۲۰	مراکش	۱۴	۲۴	۳۴	۱۱۷	۱۵۳	-
۲۱	مالتا	۱۷۸	۲۰۳	۲۴۱	۲۷۸	۳۱۵	-

Source: Ibid.

طبق جدول ۲ اگرچه طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۵ روند صعودی دسترسی به اطلاعات در کشور ایران در حال بهبود بوده است، اما همچنان لازم است در این کشور برای دستیابی به جایگاه مناسب نسبت به برخی از کشورهای منا تلاش شود. اهمیت این موضوع از آنجاست که تأثیرات منفی ناشی از دسترسی ناکافی به اطلاعات به کاهش انگیزه فعالان بخش خصوصی به مشارکت در بازار داخل منجر می‌شود و بنابراین اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را با مشکل مواجه می‌کند.

۳ تجربه دیگر کشورها در اجرای سیاست‌های رقابتی

باید توجه داشت که هدف از اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی فقط تغییر مالکیت نیست، بلکه هدف اصلی افزایش کارایی اقتصادی و از طریق آن افزایش سطح رفاه

اجتماعی است. دستیابی توأم به این اهداف مستلزم انجام برنامه‌ریزی دقیق و زمینه‌سازی است. در این باره بررسی تجارب کشورهای نسبتاً موفق در اجرای سیاست‌های رقابتی می‌تواند مؤثر باشد.

۳-۱ هندوستان

هندوستان در آغاز برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۵۰ الگوی اقتصاد مختلط را انتخاب کرد و برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، روشی آرام و گزینشی به جای حرکت شتابان به سوی سیاست‌های رقابتی، بالاخص گسترش فضای عملکرد بخش خصوصی، برگزید. گرایش به سمت سیاست‌های رقابتی در این کشور از سال ۱۹۹۱ و با اعلام بیانیه‌ای از سوی دولت مبنی بر ضرورت افزایش نظم و انضباط بازار، تأمین منابع، تشویق و مشارکت گسترده‌تر عموم در مدیریت بنگاه‌های بخش خصوصی آغاز و از روش‌هایی به صورت زیر بهره‌گیری شد:

- کاهش سرمایه متعلق به دولت،
- توسعه پروژه‌های مشترک برای گسترش هرچه بیشتر یا انتقال بخش معینی از عملیات واحدهای موجود،
- ورود به قراردادهای مدیریت با گروه‌های کارشناسی بخش خصوصی،
- تعیین افراد غیردولتی در هیئت‌مدیره بنگاه‌های بخش دولتی حتی در مواردی که سهم بخش خصوصی در این شرکت‌ها ناچیز بود،

- پیمانی کردن عملیات (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۶: ۸۶).

البته، از آنجا که در آن هنگام بخش خصوصی هندوستان قادر نبود سرمایه‌گذاری‌های کلان لازم را انجام دهد و یا به اجرای پروژه‌های بلندمدت با نرخ بازده پایین پردازد، بخش عمومی و خصوصی در کنار یکدیگر قرار گرفتند و ضمن انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک، در مدیریت نیز باهم همکاری می‌کردند.

همچنین، دولت هند برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در بخش انرژی،

تغییرات قابل ملاحظه‌ای در قانون تنظیم ارز و کنوانسیون نمایندگی^۱ تضمین کننده سرمایه گذاری چندجانبه در سال ۱۹۹۲ ایجاد کرد، به نحوی که خارجیان اجازه یافتند به جای ۴۰ درصد، تا ۵۱ درصد سهام سرمایه گذاری شده را تصاحب کنند. همچنین استفاده از حق لیسانس صنعتی، که قبلاً برای صنایع محدودیت به شمار می‌رفت، در تمام صنایع، به غیر از هجده صنعت مرتبط با منافع محیطی، اجتماعی، راهبردی و امنیتی کشور لغو شد. از دیگر سیاست‌های مهم در این دوران می‌توان به لغو نظام نظارت بر افزایش سرمایه، تسهیل نظام صادرات و واردات، صدور مجوز تبدیل روپیه به سایر ارزها در حساب‌های تجاری، کاهش محدودیت‌های استخدام مدیران و شاغلان خارجی، افزایش سقف سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش صنعت تا مرز ۸۰ درصد، حذف یارانه تولید کشاورزی و صنایع کوچک در داخل شهرها و انحصاری کردن آنها برای مناطق محروم و کمتر توسعه یافته اشاره کرد.

از سال ۱۹۹۷ مقارن با دوران اجرای برنامه نهم توسعه اقتصادی، رویکرد سیاست‌های اتخاذ شده بیشتر معطوف به بهبود وضعیت رفاه عمومی شد. طی این دوران، دولت با انگیزه ایجاد مشارکت میان دولت و مردم، به نحوی که مردم خود به ابزار مؤثر فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی تبدیل شوند، سیاست‌های زیر را آغاز کرد:

۳-۱-۱ توانمندسازی بخش خصوصی

از دوران برنامه نهم در این کشور تلاش‌های زیادی برای تقویت و توانمندسازی بخش خصوصی انجام شد، تا این بخش بتواند به حد توانایی ذاتی خود برسد و در افزایش تولید، آفرینش فرصت‌های شغلی و ارتقای سطح درآمد سهمیم باشد (توفیق، ۱۳۸۳: ۱۶۸). البته، تقویت بخش خصوصی و اتکا به نیروهای رقابت و بازار در حکم کاهش نقش دولت نبود، بلکه منظور تغییر جهت فعالیت دولت بود. در این برنامه، دولت باید از نظارت بخش

خصوصی در جاهایی که بازار و رقابت و مؤسسات مالی کارآمد موجب تصمیم‌های درست در مورد سرمایه‌گذاری و فناوری می‌شد، دست بردارد. اما در بسیاری از عرصه‌ها از جمله در عرصه توسعه اجتماعی مانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، آب آشامیدنی سالم و ... به‌ویژه در مناطق روستایی، همچنین خدمات زیربنایی مانند نیرو، راه، بندر، راه‌آهن، مخابرات، خدمات شهری و غیره، نقش دولت باید بیشتر می‌شد.

۳-۱-۲ تغییر نقش دولت در بخش کشاورزی

در بخش کشاورزی نقش دولت از تصدیگری به تأمین‌کنندگی زیرساخت‌های اقتصادی مانند شبکه‌های تأمین آب و آبیاری، راه‌های روستایی، ایجاد بازارهای سازمان‌یافته برای محصولات کشاورزی و انجام پژوهش‌های کشاورزی تغییر یافت.

۳-۱-۳ تغییر نقش دولت در بخش صنعت

در این دوره آزادسازی درزمینه صنایع پیشرفت زیادی داشت. صدور پروانه برای صنایع جز در چند مورد محدود حذف شد. فهرست صناعی که در انحصار بخش دولتی قرار داشت، به‌شدت کاهش یافت. همچنین مقرر شد که در طول برنامه، بقیه نظارت‌ها از جمله نظارت بر ایالات حذف شود یا به پایین‌ترین درجه برسد.

۳-۱-۴ تشدید سرمایه‌زدایی دولتی

در اجرای سیاست سرمایه‌زدایی دولتی، که آغاز آن از سال ۱۹۹۲ بود، ابتدا فروش سهام تا سقف ۴۹ درصد مجاز شد و به تدریج افزایش یافت. به طوری که تا زمان حاضر این نسبت، مگر در صنایع استراتژیک که امنیت ملی به آنها بستگی دارد، به ۷۴ درصد افزایش یافته است. همچنین مقرر شده است منابع حاصل از فروش سهام دولتی در عمران یا توسعه اجتماعی هزینه شود.

۳-۱-۵ توجه به مضامین جهانی شدن در عرصه بازرگانی خارجی

به‌منظور رویارویی با پدیده جهانی شدن مقرر شد تا درهای اقتصاد هند بیش‌ازپیش به روی رقابت جهانی باز شود و درعین‌حال، قدرت رقابتی صنایع هندی نیز افزایش یابد. پس محدودیت‌های مقداری^۱ در همه موارد جز کالاهای مصرفی حذف و مقرر شد تا بقیه محدودیت‌ها نیز تا سال ۲۰۰۳ حذف شود. در ابتدا، برای رونق بخشیدن به تجارت منطقه‌ای، این‌گونه محدودیت‌ها برای کشورهای همسایه حذف شد و تعرفه‌های گمرکی برای واردات نیز کاهش یافت. البته با وجود اعمال چنین کاهش‌هایی، همچنان تعرفه‌های هند از دیگر کشورهای در حال توسعه در سطح بالاتری قرار داشت.

۳-۱-۶ توسعه صادرات

این سیاست برای توازن تراز پرداخت‌های کشور، حیاتی شمرده می‌شد. همچنین برخی سیاست دولت اهمیت دادن به نرخ اسعار خارجی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تشریفات گمرکی و تسهیلات بانکی بود که درخصوص آنها رسیدگی‌های جدی به‌عمل آمد.

۳-۱-۷ تشویق سرمایه‌گذاری خارجی

از دیگر سیاست‌های مهم این کشور، تلاش بیشتر برای تشویق و جلب سرمایه‌گذاری خارجی بود که از این طریق علاوه بر آنکه برخورداری از تعادل تراز پرداخت‌ها امکان‌پذیر می‌شد، دستیابی به فناوری‌های مهم و نیز بازارهای جهانی بیشتر مهیا می‌شد.

۳-۱-۸ افزایش عرضه زیرساخت‌ها از طریق بخش خصوصی

با رشد سریع اقتصاد این کشور در دوران برنامه نهم، تقاضا برای زیرساخت‌ها به‌ویژه نیروی برق، مخابرات، راه‌آهن، راه زمینی و بنادر افزایش یافت و چون امکان واردات این‌گونه

1. Quantity Ratio (QR)

تأسیسات از خارج وجود نداشت، لازم بود تا تقاضای اضافی از طریق افزایش عرضه داخلی صورت پذیرد. تا پیش از این زمان عمدتاً بخش عمومی زیرساخت‌ها را احداث می‌کرد. اما از سال ۱۹۹۷ برای جبران کمبود زیرساخت‌ها، از سرمایه خصوصی نیز استفاده شد.

۳-۱-۹ انجام اصلاحات در بخش مالی

اصلاح بخش مالی با اصلاح نظام بانکی شروع شد. در نتیجه انجام این اصلاحات، نظام بانکی هند از نظر کفایت سرمایه، فرم‌های احتیاطی و مدیریت ریسک به حد استانداردهای جهانی نزدیک شد. در مرحله بعد، انجام اصلاحات در بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در زمره اولویت‌ها قرار گرفت.

۳-۱-۱۰ تلاش برای حفظ ثبات محیط اقتصادی کلان

به منظور تثبیت محیط کلان اقتصادی، از کسری بودجه دولت ملی و ایالات کاسته شد، تا میزان تورم کم شود و به تناسب آن نرخ بهره افزایش نیابد. به این منظور کاهش کسری درآمد با بهبود نظام وصول مالیات‌ها و اجتناب از هزینه‌های غیرضروری، مانند برخی از یارانه‌های غیرموجه، امکان‌پذیر بود (همان: ۱۷۱-۱۶۸). از سال ۲۰۰۲ تاکنون مفاهیم دیگری به صورت تشویق کارآفرینی و توانمندسازی کارآفرینان، تأکید بر توازن منطقه‌ای و توجه به کیفیت حکمرانی و اصلاح سیاست‌ها و نهادهای هر یک از بخش‌ها به مجموع سیاست‌های فوق افزوده شده است (141: <http://www.ncert.nic>). ماحصل سیاست‌های رقابتی فوق را می‌توان در حرکت هندوستان از مرحله یک کشور توسعه‌نیافته به سمت بلوغ اقتصادی ردیابی کرد. با وجود این، هنوز هندوستان در راه رسیدن به اهداف خود با دشواری‌هایی نظیر فقر، بیکاری، اختلاف طبقاتی، نرخ بالای رشد جمعیت، کمبودهای زیربنایی، کسر بودجه، تورم، بدهی‌های خارجی، کمبود ذخایر ارزی و امثال آن روبه‌رو است که رفع آنها نیازمند تداوم سیاست‌های فوق و توجه بیشتر به مفاهیم کیفی در برنامه‌ریزی اقتصادی این کشور است (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۶: ۹۰).

۲-۳ تجربه چین

تا پیش از پیروزی انقلاب کمونیستی چین (۱۹۴۹) پراکنندگی قدرت در این کشور مانع از حرکت آن به سمت رشد و توسعه اقتصادی بود. از هنگام به قدرت رسیدن مائو در این کشور و تمرکز دولت به صورت یک مجموعه واحد، راهبرد توسعه اقتصادی سوسیالیستی که اساساً بر مبنای خوداتکایی بود، در پیش گرفته شد. طی این دوران، به رغم حصول موفقیت‌هایی در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، همچنان روند توسعه‌ای کند بود؛ چرا که در این کشور، نوعی سوءظن به نظام بازار وجود داشت. همچنین، فرهنگ مساوات‌طلبی و تکیه بر تلاش‌های جمعی همراه با تبلیغات منفی درباره انگیزه‌های کار فردی باعث شده بود تا زمینه پیدایش خلاقیت‌های فردی محدود شود (همان). بنابراین، باید این موانع از سر راه برداشته و اقداماتی می‌شد که موانع فوق‌الذکر را رفع می‌کرد و اقتصاد را به تحرک مجدد وامی‌داشت. سپس، از اواخر دهه ۱۹۷۰ رهبران چین تشخیص دادند که روش‌های سنتی مدیریت اقتصادی کارایی ندارد و تمهید سیاست‌های نوین الزامی است. پس، برنامه اصلاحات تحت عنوان «چهار فقره نوسازی» معطوف به پیشبرد اصلاحات در چهار حوزه مهم کشاورزی، صنعت، دفاع ملی و علوم و فناوری اجرا شد. مهم‌ترین ویژگی‌های اصلاحات اتخاذ شده در چین به قرار زیر بود:

- اصلاحات اتخاذ شده از سوی رهبران چین اساساً اقتصادی بود و به کمترین اصلاحات سیاسی، تا حدی که برای اصلاحات اقتصادی لازم باشد، بسنده می‌شد.
- فرایند اصلاح، برخلاف شیوه اتخاذ شده از سوی کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق، به صورت تدریجی، افزایشی و آزمایشی بود. به عبارت دیگر، قبل از اینکه اصلاحات در کل کشور به اجرا درآید، به گونه آزمایشی در بعضی مناطق به کار می‌رفت و سپس در صورت موفقیت در منطقه‌های دیگر کشور گسترش می‌یافت.^۱

۱. از دیدگاه تصمیم‌گیران چینی، این رهیافت تدریجی مزایای گوناگونی در برداشت از جمله اینکه: الف) از شکست‌های عمده اقتصادی اجتناب می‌شد و ناکارایی‌های سیاست‌ها بر اساس تقاضای ملی و محلی تعدیل می‌شد. ب) با اجرای این سیاست‌های اولیه، حمایت سیاسی لازم برای اصلاحات بیشتر حاصل می‌شد. ج) چارچوب قانونی و تنظیمی و نهادهای مربوطه تدارک دیده می‌شد.

• به منظور آرام کردن گذار از نظام مبتنی بر برنامه ریزی سوسیالیستی به نظام سوسیالیستی بازاری از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌شد که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: سازوکارهای واسط همچون نظام قیمت گذاری دوگانه، بازار مبادله ارز خارجی، گسترش مناطق آزاد اقتصادی برای ترویج سرمایه و فناوری‌های خارجی، استقرار نظام مسئولیت قرارداد به منظور تشویق رفتار عوامل اقتصادی، واگذاری اختیار به برخی از حکومت‌های محلی برای وضع و اجرای قوانین مرتبط با بازار و تمرکززدایی از تصمیمات به منظور تشویق مقامات رسمی در سطح محلی.

• به منظور حفظ ویژگی سوسیالیستی اقتصاد، در عین آنکه خصوصی سازی در سطحی وسیع صورت گرفت، حاکمیت مالکیت عمومی و کنترل بخش‌های استراتژیک اقتصادی از سوی دولت همچنان باقی ماند. به عبارتی، بخش‌های خصوصی و عمومی اقتصاد چین به عنوان مکمل یکدیگر عمل کردند.

• تلاش سیاستگذاران به سمت تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بود.^۱ تمرکززدایی جدید با قطع رابطه کارگزاران اقتصادی و دولت مشخص می‌شد، به این صورت که کارگزاران اقتصادی بر مبنای علائم بازار تصمیم‌گیری می‌کردند و از سوی دیگر به حکومت‌های محلی استقلال عمل بیشتری در تخصیص منابع داده می‌شد. در این راستا، به تدریج برنامه ریزی دستوری رها و نقش ارشادی دولت بیشتر شد و به نیروهای بازار و بخش غیردولتی اجازه مداخله بیشتری در عرصه اقتصادی داده شد. به عبارتی، از دهه ۱۹۷۰ برنامه ریزان این کشور در صدد برآمدند تا به جای برنامه ریزی در خصوص جزئیات تخصصی، به تدوین راهبردها و دستورالعمل‌ها پردازند.

اجرای سیاست‌های فوق در چین، سیاست‌های رقابتی به جای اتخاذ رویکرد سوسیالیستی صرف، موفقیت‌های چشمگیری را برای این کشور به ارمغان آورده است و

۱. پیش از این نیز در سال ۱۹۷۸ در چین تمرکززدایی صورت گرفته بود اما روند تمرکززدایی‌ای که از این دوره (دوره اصلاحات) اعمال شد، از نظر عمق و وسعت متمایز از گذشته بود و با کاربرد و سازوکارهای بازار تلفیق شده بود.

همچنان انتظار می‌رود زمینه‌های رشد پرشتاب این کشور را در سال‌های آتی فراهم سازد.

۳-۳ تجربه بنگلادش^۱

در بنگلادش، کشوری مواجه با تنگناهای متعدد اقتصادی، تغییر جهت از روش سرمایه‌داری متمرکز با حمایت مالی دولت، براساس هدف توسعه صنعتی به رهبری بخش خصوصی در اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. وقوع قحطی و خشکسالی در سال ۱۹۷۴، افزایش قیمت‌ها و رکود اقتصادی، سیاست‌های دولت را به سمت تشویق مشارکت بخش خصوصی در تولید و کاهش نقش دولت از طریق جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی سوق داد. بعد از تغییر سیاسی در آگوست ۱۹۷۵ دولت به منظور گسترش دامنه مشارکت بخش خصوصی در فرایند صنعتی شدن طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ چند تغییر مهم در سیاست‌ها و راهبردهای خود انجام داد که عناصر عمده آن عبارت بودند از:

- حذف سقف تعیین شده برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،
- کاهش صنایع تحت نظارت دولت و ایجاد بخش‌های آزاد،
- تسهیل ضوابط سرمایه‌گذاری،
- اصلاح قانون جذب سرمایه و واگذاری صنایع تحت اختیار دولت،
- تشکیل نهاد جذب سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۷۵ و بازگشایی مجدد بازار سهام،
- تغییر جهت به سمت نرخ شناور ارز،
- معرفی ضوابط مختلف توسعه صادرات.

راهبردهای بالا اگرچه در مسیر حرکت این کشور به سمت توسعه صنعتی مؤثر به‌شمار می‌رفت، اما همچنان ناکافی بود. از این رو در سال ۱۹۸۲ «سیاست جدید صنعتی شدن» با

۱. بنگلادش از جمله کشورهایی است که در دوران پیش از اجرای سیاست‌های رقابتی، از لحاظ درآمدی و وضعیت رفاه اجتماعی در وضعیت بسیار بدی قرار داشته ولی اکنون پس از دو دهه اجرای سیاست‌های رقابتی پیشرفت‌های قابل توجهی از خود نشان داده است، از این رو می‌تواند یک نمونه تجربی مناسب برای بررسی باشد.

هدف شتاب بخشی رشد صنعتی زیر نظر بخش خصوصی به تصویب رسید. سیاست جدید صنعتی شدن، سرمایه گذاری خصوصی خارجی را تشویق^۱، واردات را آزاد و انگیزه های زیادی برای صادرات ایجاد کرد. همچنین، ضوابط خاصی را برای آزادسازی مالی و پولی در نظر گرفت. به علاوه، چند صنعت بزرگ در بخش های نساجی، کف و کتان^۲ به مالکان جدیدی از بخش خصوصی واگذار شد. البته پابندی جدی دولت به بهره مندی از نتایج سیاست های رقابتی در اقتصاد موجب شد تا کمتر از یک دهه بعد از اعلام سیاست جدید صنعتی در سال ۱۹۹۱ سیاست صنعتی دیگری به مرحله اجرا گذاشته شود. یکی از مهم ترین اهداف سیاست جدید، خصوصی سازی بنگاه های دولتی زیان آور بود که برای افزایش کارایی و بهره وری بخش صنعت در دستور کار قرار گرفت (همان).

درواقع، طی دهه ۱۹۹۰ جهت گیری سیاستگذاران این کشور پیوسته به سمت سیاست های رقابتی بوده است. در این دوران، سیاست های گوناگونی اتخاذ شد که از جمله مهم ترین آنها عبارت بودند از: تمرکززدایی و حذف ضوابط و مقررات سرمایه گذاری صنعتی، معرفی «هیئت عالی سرمایه گذاری»، تسهیل ضوابط وام دهی صنعتی و ساده سازی و استاندارد کردن ضوابط و تشریفات حاکم بر واردات، اتخاذ طرح های ایجاد انگیزه برای جذب حجم بیشتری از سرمایه خارجی،^۳ تقویت مدیریت سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تسهیل در ثبت سرمایه گذاری، گسترش فرایند خصوصی سازی به دو روش: فروش از طریق مزایده بین المللی و فروش از طریق عرضه عمومی سهام (جاشی، ۱۳۸۵: ۴۲). تجربه سه دهه اجرای سیاست های رقابتی در این کشور منجر به بروز پیشرفت های زیادی در قالب رشد اقتصادی و توسعه صنعتی شده است (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۶: ۹۲).

۱. برای تشویق سرمایه گذاری خصوصی خارجی، قانون سرمایه گذاری خصوصی خارجی اعم از تشویق و حمایت تصویب و اجرا شد.

۲. سی و سه کارخانه تولید کف و بیست و هفت کارخانه نساجی.

۳. از جمله معافیت های مالیاتی، تخفیف مالیاتی، تخفیف عوارض وضع شده بر واردات ماشین آلات، ارائه تسهیلات برای بازگشت سرمایه گذاری های انجام شده، برگشت سود سهام و مانند آن.

در مجموع، مرور تجربه کشورهای بررسی شده نشان داد که در این کشورها، اولاً، فرایند اجرای سیاست‌های رقابتی عمدتاً تدریجی بوده است، ثانیاً، همراه با اجرای سیاست‌ها اقدام‌هایی برای توانمندسازی بخش‌های گوناگون اقتصادی و جلب انگیزه بخش خصوصی به انجام رسیده است. به عبارتی، همراه با اجرای سیاست‌ها، تأمین پیش‌شرط‌های اجرای مؤثر آن نیز صورت گرفته است.

اکنون با بهره‌مندی از نتیجه‌های مباحث نظری و تجربه دیگر کشورها در اجرای سیاست‌های رقابتی لازم است که به تبیین پیش‌شرط‌های اجرای مؤثر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی پرداخته شود.

۴ پیش‌شرط‌های اجرای سیاست‌های کلی

اجرای کارآمد سیاست‌های کلی در کشور نیازمند پیش‌زمینه‌هایی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۴-۱ توانمندسازی بخش خصوصی

در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی ضروری است همواره به تمایز میان سیاست‌های کلی به‌عنوان ابزار و سیاست‌های کلی به‌عنوان هدف توجه شود. اگرچه گسترش تصدی‌های خصوصی یکی از ابزارهای مهمی است که در اجرای این سیاست‌ها به کار گرفته می‌شود، دستیابی به کارایی نیز باید مهم‌ترین هدف مورد نظر از به‌کارگیری این ابزار باشد. به عبارتی واگذاری و گسترش فعالیت‌های خصوصی و تعاونی باید منشأ کارایی باشد. اما بخش خصوصی هرگز نمی‌تواند به‌محض کسب تصدی در واحد تولیدی، کاملاً جایگزین دولت شود. پس حمایت‌های جانی دولت در خصوص توانمندسازی این بخش، لازم است. این نکته‌ای است که رویکرد بخش عمومی نوین نیز آن را می‌پذیرد. در رویکرد پیشین یعنی دولت حداقل، «واگذاری» تنها برای «واگذاری» انجام می‌شد، پس

غفلت از چگونگی عملکرد صنایع پس از واگذاری تعجب‌انگیز نیست. نتیجه آن نیز شکست سیاست‌های واگذاری و خصوصی سازی در بسیاری کشورها بود. در رویکرد نوین، «واگذاری» برای «کارایی» انجام می‌شود، بنابراین دولت متعهد می‌شود تا هنگامی که بخش خصوصی بتواند جایگزین مناسب دولت باشد، با پشتیبانی از کارآفرینی، تحقیق و توسعه و تأمین سرمایه برای توانمندسازی این بخش تلاش کند. این نکته‌ای است که در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، به‌عنوان بسته سیاست رقابتی، باید به‌خوبی به آن توجه شود.

۴-۲ شکل‌گیری پایدار نهاد مالکیت خصوصی

در آغاز مرحله جدیدی از فعالیت خصوصی سازی باید مهم‌ترین اصل مورد توجه، پرداختن به مسئله مالکیت، ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری آن، تأسیس نهادهای حامی و متولی آن و حمایت جدی قوه قضائیه، مجریه و مقننه از هرگونه نقص مالکیت خصوصی به‌گونه‌هایی همچون مصادره باشد.

۴-۳ توجه به آثار توزیع درآمدی

توجه به نظام تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری از دیگر نکاتی است که در انجام واگذاری‌ها باید به آن توجه شود؛ زیرا قطعاً گروهی از افراد در نتیجه واگذاری، شغل خود را از دست می‌دهند. این نکته اهمیت خلق تصدی‌های جدید در بخش خصوصی را در مقایسه با واگذاری تصدی‌های موجود در بخش دولتی نشان می‌دهد. به‌رحال برای رفع هرچه بیشتر آثار ناشی از واگذاری بر بیکاری، باید علاوه بر استقرار نظام تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری قدرتمند، از مشوق‌هایی استفاده شود که متصدیان جدید بنگاه‌های مشمول واگذاری انگیزه کمتری برای تعدیل نیروهای مشغول به کار یا تعویض آنها با نیروهای جدید داشته باشند. البته در اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، تا حد زیادی به این مسئله توجه شده است.

۴-۴ توجه به سرعت اجرای سیاست

در بررسی پیامدهای خصوصی سازی مقایسه میان دو فرایند «شوگ گرا» و «تدریج گرا» می تواند حاوی پیام های مهمی باشد. آنچه از تجربه های خصوصی سازی در دیگر کشورها، برای مثال چین و روسیه، برمی آید نشان دهنده اثربخشی بیشتر فرایند تدریج گراست. به بیان دقیق تر، روسیه با اجرای یک شبه سیاست های آزادسازی و واگذاری زمینه نابودی صنایع داخلی را فراهم آورد، در مقابل چین نه فقط این سیاست ها را به طور تدریجی اجرا کرد، بلکه هرگز بر واگذاری صنایع تأکید نکرد. برعکس ایجاد واحدهای جدید کسب در بخش خصوصی را محور فعالیت های خود قرار داد که نتیجه آن رشد شتابان صنایع داخلی در این کشور و همچنین رشد بالای اقتصاد بود.

به عبارتی، در اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی باید تأکید شود که خصوصی سازی از طریق «خلق شغل های جدید» مقدم بر «واگذاری» باشد و اگر خصوصی سازی در شکل «واگذاری» است، نباید به نحو سریع و آنی در بازار انجام شود. البته، این مسئله تا حد زیادی در سیاست های ابلاغی نیز وجود دارد.

۴-۵ تسریع در تصویب یا اصلاح برخی قوانین و مقررات

یکی دیگر از پیش شرط های اجرای مؤثر سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تسریع در تصویب برخی لوایح و یا آیین نامه های لازم برای اجرای این سیاست هاست. مهم ترین این لوایح عبارت اند از: لایحه تجارت و لایحه اصلاحی قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ است. تسریع در تکمیل مراحل تصویب هر یک از لوایح فوق قطعاً می تواند دستیابی به اهداف چندگانه سیاست های کلی را ممکن سازد.

۴-۶ ایجاد زمینه های دسترسی فعالان بازاری به اطلاعات

یکی از عوامل ناکارآمدی در عملکرد یا شکست بازار نقص اطلاعات یا به عبارت دقیق تر،

عدم تقارن اطلاعات است. این مورد با ایجاد اوضاع نااطمینانی در بازار، زمینه‌های ورود سرمایه‌گذاری به بازار را کاهش می‌دهد؛ زیرا در صورت درست نبودن اطلاعات، بنگاه‌ها در اخذ تصمیمات خود دچار اشتباه می‌شوند و احتمال بروز هرگونه ناکارآمدی در عملکرد آنها و بروز زیان‌های بزرگ، حتی ورشکستگی وجود خواهد داشت. در این وضعیت حتی اگر بنگاه‌ها به فعالیت خود در بازار ادامه دهند، فقط هنگامی تمایل به گسترش سرمایه‌گذاری و پذیرش مخاطره بیشتر دارند که بازار پاداش خوبی برای مخاطره ارائه دهد. وگرنه سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند سرمایه خود را به جایی انتقال دهند که زودبازده‌تر و کم‌مخاطره‌تر باشد. این راه‌حل در حکم انحراف منابع مالی در اقتصاد به سمت فعالیت‌های زودبازده و یا حتی واسطه‌گری است.

نکته فوق همواره باید در اقتصاد مورد توجه باشد. هرچند اکنون که اقتصاد ایران در مرحله اجرای سیاست‌های واگذاری و آزادسازی قرار دارد، توجه به این مسئله اهمیت یافته است. البته، پیشرفت‌های اخیر در زمینه سهولت دسترسی به اطلاعات تا حد زیادی می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد.

۴-۷ برخورداری از نقش نهادهای مدنی

بهره‌مندی از نقش مؤثر نهادهای مدنی در اداره امور، چنانچه در قبل ذکر شد، از جمله ویژگی‌های اقتصاد نوین است. در فضای جدید فکری، علاوه بر آنکه پذیرش تعامل میان دولت و بازار و ایفای نقش مکملی میان این دو نهاد وجود دارد، به خلأهایی توجه می‌شود که با وجود همکاری دولت و بازار همچنان برجای می‌ماند و یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای رفع آن، برخورداری از نقش نهادهای مستقل غیردولتی عنوان می‌شود. در اقتصاد ایران ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی زمینه‌ساز ورود به فضای نوین بوده است. در فضای جدید، با وجود تمامی تلاش‌های دولت برای حفظ تدریج‌گرایی در واگذاری‌ها و توانمندسازی بخش خصوصی، همچنان خلأهایی باقی خواهد ماند که می‌توان برای رفع

آن با همکاری نهادهای مستقل همچون شوراهای شهر، انجمن‌های صنفی مردم‌مدار و غیردولتی^۱ بهره‌مند شد. پس با آنکه رفع خلأهای موجود با صرف هزینه کمتر زمانی و ریالی ممکن است، زمینه‌های کاهش بار مسئولیت دولت و تأمین اهداف مورد نظر سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نیز فراهم خواهد آمد.

۸-۴ تضمین و تأمین رقابت در فضای کسب‌وکار

پیش شرط اجرای مؤثر سیاست‌های واگذاری و گسترش کسب‌وکارهای خصوصی، تأمین شرایط رقابتی در فضای کسب است. به عبارتی، واگذاری را می‌توان پیش شرط «ورود» بنگاه‌ها به بازار و حاکمیت فضای امن کسب‌وکار را ضامن «بقای» آنها دانست. هرچه محیط کسب‌وکار رقابتی‌تر باشد مخاطرات سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های تولیدی کمتر و از این رو هزینه‌های مبادله در اقتصاد پایین‌تر خواهد بود. البته، افزایش شدت رقابت در اقتصاد لزوماً در حکم بهبود وضعیت نیست؛ زیرا رقابت فرایندی است که به دو صورت نمود می‌یابد: یکی رقابت آزاد، که طی آن وضعیت دسترسی به بازار برای بنگاه‌های جدید تسهیل می‌شود، اما برای بقای آنها تضمینی نیست. در این فضا انتظار می‌رود سطح کارایی افزایش یابد؛ هرچند به دلیل حاکمیت روحیه منفعت‌جویی در میان فعالان بازاری احتمال بروز رویه‌های تجاری غیرمنصفانه و به تبع آن کاهش سطح رفاه اجتماعی یا شکست بازار در اهداف اجتماعی، بسیار زیاد است؛ دوم رقابت منصفانه، که در اوضاع قانون‌مدار کردن رقابت آزاد حاصل می‌شود. در این فضای رقابتی در عین آنکه بر هر دو مؤلفه تسهیل شرایط دسترسی به بازار و تضمین بقای فعالیت بنگاه‌ها تأکید می‌شود، به حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز توجه می‌شود. بدین ترتیب، هم هدف کارایی حاصل می‌شود و هم منافع اجتماعی به حداکثر می‌رسد.

حاکمیت وضعیت رقابت منصفانه، فقط با وجود نهادی مرکزی که مسئول تدوین و

1. Non-Governmental Organization (NGO)

اجرای چارچوب رقابتی یا قانون رقابت و همچنین نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی باشد، تحقق می‌پذیرد. در حال حاضر سازمان‌های متعددی در کشور مسئول اجرای مقررات رقابتی هستند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی، تنظیم‌کنندگان بخشی همچون صنعت مخابرات و اتحادیه‌ها و اصناف تجاری. این دستگاه‌ها اگرچه به صورت مستقل از هم به اجرای مقررات رقابتی غیرمدون می‌پردازند ولی همچنان خلأ رقابت در صنایع کشور محسوس است. به عبارتی، در فضای حاضر اقتصاد و با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مبنی بر گسترش واگذاری تصدی‌های دولتی، به وجود نهادی جدید و به تبع آن مقررات رقابتی مدون نیاز است تا با محوریت تسهیل رقابت و مقابله با رویه‌های تجاری غیرمنصفانه در فضای بازار زمینه‌های افزایش کارایی توأم با افزایش رفاه اجتماعی فراهم آید. در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی این دو مورد پیش‌بینی شده است و اکنون با تصویب لایحه رقابت در قالب فصل نهم از قانون اجرای سیاست‌های کلی و تشکیل نهاد رقابتی مرکزی، با عنوان مرکز ملی رقابت، می‌توان از خدمات دیگر دستگاه‌های مسئول اجرای مقررات رقابتی برای افزایش ضمانت اجرای قانون رقابت بهره برد.

بحث و نتیجه‌گیری

ورود به فضای نوین اقتصادی را می‌توان در جهانی شدن فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری میان کشورها و همچنین آرایش جدید دولت، بازار و نهادهای مدنی به وضوح مشاهده کرد. در فضای جدید، قیودی همچون فاصله میان بازارها و زمان‌بر بودن فعالیت‌ها تا حد زیادی وجود دارد. دانش مؤلفه اصلی تولید و بهره‌وری محور تعیین مزیت است. بنابراین دیگر صحبت از حوزه و اندازه دولت نتایج بهینه به بار نخواهد آورد، چرا که دولت خود ابرازی برای تأمین بهره‌وری خواهد بود. در این فضا، نهاد بازار، نهاد دولت و نهادهای مدنی هر سه مورد توجه‌اند، با این توضیح که نهاد بازار مرجع تولید و نهاد

دولت و نهادهای مدنی پشتیبان بازار و جبران‌کننده کاستی‌های آن است. به تناسب تحولات فوق، نحوه سیاست‌گذاری و نوع ابزارهای سیاستی نیز تکامل یافته است. در زمان سابق، برای دستیابی به کارایی از طریق گسترش بخش خصوصی، سیاست‌های تعدیل به کار گرفته می‌شد، اما اکنون این سیاست‌ها به صورت سیاست‌های رقابتی، که در آنها کارایی توأم با مضامین رفاهی منظور است، تکامل یافته‌اند.

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، به منزله ورود به یک فضای نوین در اقتصاد است. این سیاست‌ها که همچون یک بسته سیاست رقابتی است، به شرط کارایی در اجرا می‌تواند زمینه‌ساز تحولات شگرفی در اقتصاد ایران باشد. کارایی در اجرا نیز زمانی تحقق می‌یابد که در عین آنکه مشکلات پیش روی اجرای این بسته سیاستی شناسایی می‌شود، به تبیین پیش شرط‌های اجرای آن نیز پرداخته شود. لازم است برای اجرای کامل سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ابتدا به رفع مشکلات موجود و تأمین زمینه‌های مناسب برای اجرا از جمله فضای رقابتی، تقارن اطلاعات، چارچوب‌های قانونی پشتیبان و نهاد ضامن اجرای قوانین و ... پرداخته شود تا امکان بهره‌مندی از منافع اتکا به سازوکار بازار، در عین ارتقای مضامین رفاهی در اقتصاد، در نتیجه اجرای این سیاست‌ها، فراهم آید.

در حال حاضر، با تشکیل شورای رقابت تا حد زیادی حرکت به سمت تشدید رقابت در فضای اقتصاد تسهیل شده است. هرچند تحقق کامل این امر هنگامی ممکن خواهد بود که علاوه بر عملکرد این نهاد رقابتی، دیگر دستگاه‌های ناظر بر اجرای رقابت به نحوی هماهنگ با مرکز و مطابق پیش‌بینی‌های قانون عمل کنند و در عین ارائه تمهیدات لازم برای شفاف‌سازی هرچه بیشتر در بازار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظارتی تشکلهای مردم‌نهاد فراهم آید.

منابع و مأخذ

- ارایی نژاد، مجید (۱۳۸۱). شناخت بازار هند و راه‌های دستیابی به آن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۴). جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، چاپ سوم.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- _____ (۱۳۸۳). تجربه چند کشور در برنامه‌ریزی با تأکید بر تجربه شوروی سابق، فرانسه، هند و کره جنوبی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و مدیریت و برنامه‌ریزی.
- جاشی، گوپال (۱۳۸۵). خصوصی‌سازی در جنوب آسیا، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۸۶). «دانش و توسعه؛ تأملی در مفاهیم و درس‌هایی برای توسعه»، آینده، شماره ۲۵.
- حسینی، سیدشمس‌الدین و افسانه شفیعی (۱۳۸۶). «نقش دولت در اقتصاد و توسعه؛ مطالعه تجربه ایران»، مجله اقتصاد و جامعه، شماره ۱۱.
- _____ (۱۳۸۶). «مقایسه سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی با سیاست رقابتی»، مجله اقتصاد و جامعه، شماره ۱۳ و ۱۴.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۶). «مرور تجربه خصوصی‌سازی در کشورهای منتخب و مقررات مرتبط در ایران» (نگاهی به سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و لایحه اجرای آن)، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره ثبت ۸۶/۶۹۶.
- صفرزاده، اسماعیل (۱۳۸۶). «دولت در آینده سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی»، مجله اقتصاد و جامعه، شماره ۱۱.
- عمادی، محمد کاظم و دیگران (۱۳۸۷). «موانع حقوقی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۴.

کوزه‌چی، هادی و محمدامین زرگزاده (۱۳۸۶). «پیشنهادهایی برای بهبود ساختار سهام عدالت»، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۴-۲۴۳.

متوسلی، محمود (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی* (مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی)، تهران، سمت.

مردوخی، بازید (۱۳۷۰). «مروری بر توسعه اقتصادی هندوستان»، فصلنامه رهیافت، مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۱.

میر، جerald و جوزف. ا. استیگلitz (۱۳۸۲). *پیشگامان اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی.

هون، رولف و ندر (۱۳۷۷). *درس‌هایی از خصوصی‌سازی* (با تأکید بر بازار کار در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار)، ترجمه علی دینی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

Abdul Kalam, A.P.J. and Y.S. Rajan (1998). *India 2020: A Vision for the New Millennium*, Penguin Books India. 1 st pub.

Goldsmith, Stephan and William D. Eggers (2005). *Governing by Network (The New Shape of the Public Sector)*, Brookings Institution Press.

http://www.ncert.nic.in/textbooks/XII/India_people_and_economy/chapter%205.pdf.

Reyes, Giovanni E. (2001). *Theory of Globalization: Fundamental Basis*, @ <http://sincronia.cucsh.udg.mx/globaliz.htm>

Stiglitz, Joseph (2001). "Globalization and the Economic Role of the State in the New Millennium", *Industrial and Corporate Change*, Vol. 12, No. 1.

World Bank (2007). *World Development Indicators Database*.